

گفت‌وگوی صبا با عوامل نمایش «سفرنامه آجی مظفر»

پایان تراژیک قاجار در



نمایش «سفرنامه آجی مظفر» به نویسندگی مریم عظیمی و کارگردانی قطب‌الدین صادقی این روزها در تالار اصلی تئاتر شهر در حال اجرا است. در این نمایش که به شیوه نمایش ایرانی رو حوضی نگاه انتقادی به سفرهای مظفرالدین شاه دارد باز یگرانی مانند امیرضا کوشانی، الهه پور جمشید، شهرام مسعودی، حسین شفیع و... به ایفای نقش می‌پردازند. در ادامه گفت‌وگوی خبرنگار صبا با عوامل این نمایش را می‌خوانید.

قطب‌الدین صادقی، کارگردان:

هنر باید به مردم شادی و امید بدهد

لطفاً در ابتدا از بعد تاریخی و مستند این نمایشنامه بگویید.
این نمایشنامه بر اساس ماجرای واقعی سفر مظفرالدین شاه قاجار به اروپا در سال‌های ۱۹۰۰، ۱۹۰۲ و ۱۹۰۵ و سفر ناصرالدین شاه برنامه و خاطرات او است که باعث شد یک سری از رویدادهای واقعی که در نمایشنامه از آنها صحبت کردیم را در یک ساختار داراماتیک با یک قصه رمانتیک به عنوان عامل پیش برنده به هم پیوند دهیم. عاملی پیش برنده که در واقع همان زن مطربه‌ای به نام قدمشاد است که مظفرالدین شاه با خود به فرانسه می‌برد. این نمایشنامه یک نگاه نو به تاریخ با فصلهای انتقادی است.

از سبک نمایشی اثر بگویید.

این اثر یک نمایش رو حوضی است. محل کسب و کار گروه‌های رو حوضی در مغازه‌هایی به نام بنگاه شادمانی در خیابان سیروس بود و مردم به سراغ آنها می‌رفتند و آنها را به خانه‌های خود دعوت می‌کردند و این گروه‌ها در مراسم‌های مختلف روی حوض وسط حیاط تخته زده و روی آن به اجرای نمایش و بازی می‌پرداختند از این جهت تخته حوضی نامیده شد. آنچه در این نمایش می‌بینیم هم بازی یکی از این گروه‌هاست منتها من عیناً آن را باز آفرینی یا تکرار نکرده‌ام بلکه آن را توسعه داده‌ام، یک نوع زیباشناسی جدید به آن افزوده‌ام و استیلیزه و مدرنش کردم. با دقت در دکور هم می‌بینید که صحنه متشکل از سه دری‌های در سه سمت و به دور یک حیاط است و آن صفحه سفید مانند تخته‌ای است که بر روی حوض قرار داده شده و به روی آن بازی می‌شود. این گروه‌ها با صندوق‌هایی به خانه‌ها می‌رفتند که صندوق‌ها حاوی وسایل نمایش آنها بود و به آنها شالکش و صندوق کش می‌گفتند مانیز عیناً همین‌ها را در این نمایش آوردیم و بر اساس این سنت نمایش ایرانی کمیک، یک نمایش کمیک مدرن نوشته و اجرا کردم. تمام زیباشناسی این کار زیباشناسی رو حوضی است، نمایش رو حوضی دکور ندارد و از همین صندوق‌ها و حداقل اشیا استفاده می‌شده که ما هم دقیقاً همین کار را کردیم و دکوری نداریم و صحنه به صحنه به کمک اشیا این کار را انجام می‌دهیم.

موسیقی نقش مهمی در جای نمایش دارد از این همکاری و تاثیر بگویید.

از دیرباز در نمایش رو حوضی از موسیقی زنده استفاده شده است و اساساً این نمایش ترکیبی از موسیقی، رقص و داستان بوده که مانیز این سه اصل را در نمایش مان به جا آوردیم. بر اساس همین سه اصل تفکیک ناپذیر، موسیقی نه تنها حد فاصل صحنه‌ها، بلکه تکیه‌گاه کار باز یگر است و کلاً چهار چوب دکور موسیقایی نمایش نیز هست و آنچه که نوازنده‌ها در طول این نمایش اجرا می‌کنند کاملاً ایرانی و برآمده از سنت‌های موسیقی سنتی مردمی کهن ایران است.

آیا همواره در پایان نمایش رو حوضی سه یک تراژدی می‌رسیم؟

نه اینطور نیست و الزاماً به تراژدی نمی‌رسیم ولی واقعاً سر نوشت قدمشاد این بود. به همین خاطر با چنین پایانی روبرو هستیم و ما پس از این همه انتقاد می‌خواهیم بگوییم که این حکومت مستبد عقب مانده قاجار در جای خود چقدر بی‌رحم است و در آن صحنه پایانی بعد دیگری از شخصیت مظفرالدین شاه را به مخاطب نشان می‌دهیم. همانگونه در پایان نمایش بنگاه تئاترال از آقای نصیرمان می‌بینیم که درد شیرینی به مخاطب می‌دهد، تلنگری به او می‌زند و تنها او را نمی‌خنداند.

به نظر می‌آید که در اجرای این نمایش لذت بردن از ترکیب داستان، رنگ، نور، موسیقی، طراحی، حرکت و باقی عناصر نمایش بر خندیدن نیز پیشی می‌گرفت.

مافضای شادی می‌خواهیم، هنر باید به مردم شادی و امید بدهد و یکی از چیزهایی که ما می‌توانیم به آن جامه عمل بپوشانیم، به جا آوردن استتیک همین زیبایی در صحنه است. ما باید به همه چیز جنبه هنری بدهیم، جنبه‌ای پالوده و کاملاً هندسی با طراحی و کمپوزیسیون رنگ و حرکت و... هنر یعنی خلق شکل و شکل یعنی رنگ و طراحی بنابراین ما سعی کردیم در هر تابلو بهترین شکل و بهترین رنگ‌ها را برای بیشترین

تاثیر بیافرینیم.

شما استاد بسیاری از افرادی هستید که امروز در عرصه تئاتر مشغول به فعالیت هستند با توجه به اینکه این نمایشنامه هم به انتقاد پذیری می‌پردازد مواجعه خود شما با انتقاد چگونه است؟
من به انتقاد اگر از سر هوشمندی و کنجکاوی باشد احترام می‌گذارم، اما به فحاشی نه. چون انتقاد فحاشی و انکار نیست اولین اصل انتقاد دیدن زیبایی‌هاست و دومین اصلش اینکه باید وارد دیدگاه کارگردان شوید و نقد نباید بر اساس استنباط شخصی باشد بلکه باید بدانید که کارگردان چرا چنین کاری کرده و این رنگ، این شیوه بازیگری و کارگردانی را انتخاب کرده است. بنابراین ابتدا باید وارد تعریف کارگردان شوید بعد از آن تحلیل کنید که آیا این کارگردان بر اساس تعریفی که دارد در اجرا موفق است یا خیر. این فرمول گوته است که به سه اصل در این مورد اشاره می‌کند یک اینکه اثر چه می‌گوید؟ دو اینکه خالق اثر، آن را چگونه می‌گوید و سه اینکه آیا در این شیوه گفتن موفق بوده است یا خیر و این سه فاکتور اصل بزرگ هر انتقادی است که دیگر فحاشی، انکار، نظر و سلیقه شخصی نیست.

حسین شفیع، بازیگر:

برای رسیدن به یک اثر فاخر اول باید عاشق بود

یکی از نقش‌های اصلی هستید که از ابتدا تا انتهای نمایش تقریباً یکسره روی صحنه‌اید و دیالوگ‌ها و حرکات شما با ریتم و تمپوی بالایی همراه است. از روند رسیدن به آمادگی لازم در بیان، بدن و انرژی نقش بگویید.

ما به مدت یک ماه و اندی فقط روی دور خوانی این متن متمرکز بودیم و دکتر تاکید بسیاری داشتند که تمام جملات درست ادا شوند

و این در حالی است که در بسیاری از نمایش‌ها می‌بینیم بازیگران صرفاً دیالوگ‌ها را می‌خوانند و دیالوگ‌ها با حس ادا نمی‌شوند. اما تاکید دکتر بر این بود که معنی هر جمله با آکسان گذاری مناسب بیان می‌شود و بر اساس همین تاکید، روی متن خیلی کار کردیم. حجم دیالوگ‌های من هم زیاد بود و بخش دور خوانی متن که همه فکر می‌کنند ساده‌ترین بخش یک اجرا است یکی از سخت‌ترین بخش‌های تمرینات این نمایش و البته به همان مقدار هم دلنشین بود به خصوص که آنقدر معانی و مفاهیم دقیق و ریزی درون جملات این نمایشنامه بود که نمی‌شد از آن غفلت کرد. اما در مورد انرژی، بازیگرها به مرور و طی سال‌های زیادی که روی صحنه می‌روند کنترل و تقسیم آن را می‌آموزند و به صورت ناخودآگاه انرژی‌شان را تقسیم می‌کنند. این کار هم سراسر انرژی است و اصلاً نمی‌شود که بگویید این موقعیت را با انرژی کمتری اجرا می‌کنم چرا که کاراکتر گزاویه مدام در حال انفجار است و تنها کاری که من توانستم بکنم این بود که آمادگی بدنی‌ام را حفظ کنم. خوشبختانه به سیگار، قلیان و اینگونه عادات تمایل نداشته و ندارم چون مهمترین ابزار بازیگر تنفس اوست و این مسئله اینجا به کار آمد در غیر این صورت با این حجم از حرکات و دیالوگ حتماً روی صحنه نفس کم می‌آورد. دقیقاً به همین علت هم دکتر صادقی وقتی می‌بینند بازیگری به چنین عاداتی مشغول است بسیار ناراحت می‌شوند چرا که به‌های یک بازیگر موتور حرکتی اوست و اگر این موتور آسیب ببیند حرفه یک بازیگر هم آسیب می‌بیند.

لذتی که بازیگران از نقش و نمایش می‌برند به مخاطب هم منتقل می‌شود آیا بخشی از این مسئله به احترام و علاقه همه شما نسبت به دکتر صادقی مربوط است؟

دکتر صادقی این نمایشنامه را با عشق و احترام به زنان نوشته است، عشق به زنان هنرمند که یکی از آنها قدمشاد این نمایش است که